

تجربه‌ها نشان می‌دهد که آثار فلسفی کلاسیک یا آکادمیک کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. کتاب‌هایی موفق‌تر بودند که زبان ساده‌تری دارند، از آن نوع فلسفه‌هایی که با زندگی روزمره، سبک زندگی، یا حتی مفاهیم روانشناختی پیوند خورده‌اند. برای مثال، کتاب‌هایی که موضوعاتی مانند تنهایی، اضطراب، یا معنا را با نگاه فلسفی بررسی می‌کنند، مخاطب بیشتری داشته‌اند.

### یعنی نوعی از فلسفه کاربردی یا بینارشته‌ای؟

دقیقاً. ما به کتاب‌هایی نزدیک شده‌ایم که به نوعی بین فلسفه، روانشناسی و حتی ادبیات قرار می‌گیرند. این‌ها نه کاملاً «کتاب انگیزشی» هستند، نه به پیچیدگی فلسفه دانشگاهی. بلکه بیشتر سعی دارند اصول و دغدغه‌های فلسفی را در قالبی ساده‌تر و قابل‌فهم برای مخاطب عام بیان کنند. به همین دلیل هم توانسته‌اند بدنه‌ای از مخاطبان کتاب‌خوان را به خود جذب کنند.

**از میان کتاب‌هایی که در این حوزه منتشر کرده‌اید، کدام‌ها با استقبال بیشتری مواجه شده‌اند؟**  
در میان آثاری که منتشر کردیم، کتاب «فلسوف و گرگ» اثر مارک رولند این کتاب به بررسی رابطه یک فیلسوف با گرگی به نام برنین می‌پردازد و این رابطه تأثیر عمیقی بر تفکر فلسفی رولند می‌گذارد و او را به بازنگری در مفاهیمی مانند عشق، خوشبختی، طبیعت و مرگ سوق می‌دهد. این کتاب به چاپ هشتم رسیده و مورد استقبال طیف گسترده‌ای از مخاطبان قرار گرفته. کتابی که مفاهیم فلسفی را با موضوع «حقوق حیوانات» در هم آمیخته. این کتاب از دغدغه‌های روز جامعه‌امثل حضور پررنگ حیوانات خانگی در زندگی شهری امروز! آغاز می‌کند و از آن‌جا به پرسش‌های بنیادینی مثل عشق، خوشبختی و مرگ می‌رسد. ترکیب جسورانه‌ایست از فلسفه کاربردی، دغدغه‌های اخلاقی، و مسائل معاصر، از همین نویسنده، دو کتاب دیگر هم منتشر کرده‌ایم که مسیر مشابهی را دنبال می‌کنند.

### کتاب‌های دیگر در همین مسیر هم منتشر کرده‌اید؟

بله، یکی از کتاب‌های موفق دیگری که به چاپ ششم رسیده «کوهنوردی با نیچه» است. این اثر جذابیت دوگانه‌ای دارد: از یک سو، نوعی سفرنامه است که نویسنده در آن به مکان‌هایی سفر می‌کند که نیچه در سال‌های پایانی عمرش برای استراحت و تأمل به آن‌ها می‌رفته؛ و از سوی دیگر، در دل این سفرها به بازخوانی اندیشه‌های نیچه می‌پردازد. زبان کتاب روایی و نزدیک به ادبیات است، ولی درون‌مایه‌ای کاملاً فلسفی دارد. به همین دلیل هم توانسته مخاطب عام و علاقه‌مند به فلسفه را توانمند جذب کند.

### آیا می‌توان این کتاب‌ها را ذیل ادبیات جستار قرار داد؟ یا به سبک دیگری تعلق دارند؟

رویکرد برخی از این آثار به جستار نزدیک است، چون از تجربه‌های زیسته، رویدادهای شخصی، و روایت زندگی بهره می‌گیرند. اما ساختارشان با جستارهای کلاسیک متفاوت است. برخلاف جستارهای پراکنده و اپیزودیک که بیشتر شبیه مقالات مستقل‌اند، این کتاب‌ها متنی یکپارچه و منسجم دارند. یعنی خواننده با اثری مواجه است که انسجام ساختاری دارد و در قالب کتابی کامل نوشته شده، نه مجموعه‌ای از تأملات پراکنده.

### به نظر می‌رسد ذائقه مخاطب امروز به شکل محسوسی تغییر کرده؛ کتاب‌هایی با لحن روان، ساختار فشرده و بیان مستقیم بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند. شما هم این تغییر را حس می‌کنید؟

شخصاً احساس می‌کنم کتاب‌هایی بر پایه ادبیات کلاسیک که خوانش سخت‌تری دارند، خیلی مورد اقبال مخاطب امروز نیست، در حالی که آثار ساده‌تر با بیانی موجز و بی‌واسطه ارتباط‌پذیرترند. امروز مخاطب فرصت و تمرکز کمتری دارد و طبیعتاً سراغ آثاری می‌رود که هم معنا دارند، هم فرم ساده‌تری دارند، هم وقت و انرژی زیادی از او نمی‌گیرند.

### این نوع ادبیات فشرده و بی‌واسطه که هم از سادگی و هم از پشتوانه فکری برخوردار است، آیا می‌تواند الگوی تازه‌ای برای داستان‌نویسی ایرانی باشد؟

دقیقاً. به نظر من ادبیات ما باید پوست‌اندازی کند، به‌ویژه در حوزه داستان. خیلی از آثار دهه‌های قبل، با نثری متکلف، فضای محزون، سنگین و پیچیده عرضه می‌شدند. نوعی

سردی، تلخی و انفعال هدایت‌وار. این برای مخاطب امروزی که خودش با فشارهای اجتماعی و اقتصادی درگیر است، دیگر قابل تحمل نیست. ادبیات امروز باید رفیق مخاطب باشد، نه باری بر دوش او.

### یعنی پیشنهاد می‌کنید ادبیات معاصر ایران از ادبیات آمریکا تأثیر بپذیرد؟

نه الزاماً تقلید، اما آموختن از آن ضروری‌ست. نثر آمریکایی سال‌هاست که بر پایه سادگی، ضرب‌آهنگ بالا، طنز، و عینیت جلو رفته. همین‌ها باعث شده‌اند تا آثارشان قابل‌درک‌تر و فراگیرتر شوند. در ایران هم تعداد محدودی از نویسندگان در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند به این سمت حرکت کنند و نتیجه‌اش هم دیده شده: مخاطب جذب شده و ادبیات برایش جذاب‌تر شده.

### یعنی مسئله صرفاً سبک نیست؛ بلکه جهانی است که مخاطب در آن زندگی می‌کند...

دقیقاً. جهان‌بینی مخاطب امروز تغییر کرده. اودر شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌اش با فرم‌های بسیار کوتاه، مستقیم و متنوعی از محتوا روبه‌روست. طبیعتاً ادبیات هم اگر بخواهد خوانده شود، باید با این مختصات تازه خودش را وفق دهد. در غیر این صورت، شکاف میان اثر ادبی و مخاطب عمیق‌تر خواهد شد.

محمود اکرامی‌فر  
مدیر نشر جام جم:

### ادبیات دیگر کافی نیست؛ مخاطب در جست‌وجوی حرف نو

**شما هم ناشر هستید، هم در فضای ادبیات و شعر دستی دارید، با این تجربیات ارزنده بفرمائید ذائقه مخاطب امروز در حوزه شعر و داستان به چه سمت‌وسویی گرایش پیدا کرده است؟**

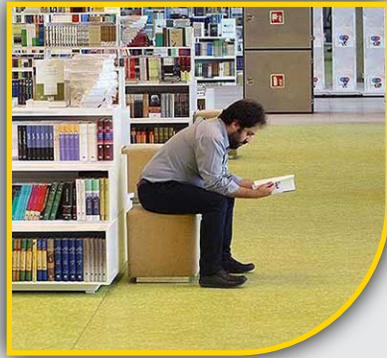
پیش از اینکه به ذائقه مخاطب اشاره کنم، باید مشخص کنیم وقتی می‌گوییم «مخاطب»، دقیقاً منظورمان چه کسی است. مخاطب یک اصطلاح عام است، اما در واقع تقسیم‌بندی‌های متعددی دارد؛ از نظر جنسیت، سن، سطح تحصیلات و حتی رسانه‌ای که از آن استفاده می‌کند، مخاطب‌ها تفاوت‌های بنیادینی دارند. به‌طور مثال تلویزیون، مخاطب سنتی و باورمند به روایت رسمی را جذب می‌کند. فضای مجازی و پلتفرم‌های تعاملی مثل یوتیوب، مخاطبی متفاوت دارند، همین‌طور رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه‌ها و مجلات هم مخاطب خاص خودشان را دارند. وقتی ما از «مخاطب ادبیات» حرف می‌زنیم، منظورمان بخشی از این جمعیت است که واقعاً به آثار ادبی، اعم از شعر و داستان، علاقه‌مندند.

### این علاقه‌مندان چه طیفی را تشکیل می‌دهند؟

مخاطبان ادبیات را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ گروهی که از ادبیات استفاده ابزاری می‌کنند؛ یعنی صرفاً برای رفع نیازهای روزمره مثل ارسال پیام شاعرانه، پست اینستاگرامی یا نقل‌قولی احساسی به سراغ شعر یا داستان می‌روند. برای این گروه، محتوای عمیق یا ساختار ادبی اثر چندان اهمیتی ندارد. گروه دوم، مخاطبان جدی‌تر هستند که دغدغه‌های فکری دارند و از ادبیات برای تأمل، فهم جهان، یا تجربه زیبایی‌شناختی استفاده می‌کنند. اما واقعیت این است که جمعیت این گروه در حال کاهش است و سهم گروه اول، یعنی استفاده‌کنندگان روزمره، روز به روز بیشتر می‌شود.

### وقتی درباره مخاطب امروز ادبیات صحبت می‌کنیم، معمولاً دوگانه‌ای میان «مخاطب خاص» و «مخاطب عام» پیش کشیده می‌شود...

اگر بخواهیم دقیق نگاه کنیم، می‌بینیم که مخاطب خاص ادبیات (یعنی همان کسی که ادبیات را حرفه‌ای دنبال می‌کند) همچنان وجود دارد و حذف‌ناپذیر است. این مخاطب، یک مخاطب نکته‌سنج، نکته‌فهم و نوجواست؛ دنبال حرف تازه می‌گردد. منتها مشکل این‌جاست که حرف تازه در ادبیات ما کم شده است. در ادبیات امروز ما، به‌ویژه



در فضای آموزشی‌اش، بیشتر روی «چگونه گفتن» تمرکز شده تا «چه گفتن» این در حالی است که مردم امروز (به خاطر سطح بالای تحصیلات و قدرت تحلیل‌شان) بیشتر دنبال محتوا هستند، نه فقط فرم. یعنی به‌جای اینکه به دنبال زیبایی جمله یا تکنیک باشند، می‌پرسند: «این نویسنده چی می‌خواد بگه؟ فکر تازه‌اش چیه؟

### پس به نظر شما مخاطب امروز، همچنان طالب ادبیات جدی و اندیشمند است، اما تولیدکنندگان آن کمتر به این نیاز پاسخ می‌دهند؟

بله. وقتی مثلاً شعر «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند» از سعدی یا اندیشه‌های خیام را می‌شنوید، خیلی دنبال آرایه یا وزن و قافیه‌اش نیستید؛ دنبال این هستید که چی می‌گه؟ چه حرفی پشت این جمله هست؟ این نیاز در مخاطب امروز وجود دارد، اما در تولیدات ادبی ما کمتر به آن پاسخ داده می‌شود. اتفاقاً در روزنامه‌نگاری هم وضع مشابهی وجود دارد. بیشتر تمرکز روی شیوه‌های خبرنویسی و اصول تکنیکی است. اما مخاطب دنبال حرف تازه است. به همین دلیل هم هست که نقد جدی و عمیق تقریباً از روزنامه‌ها حذف شده یا اگر هست، سطحی و آبکی است. روزنامه‌ها بیشتر به گزارش‌های خبری و روزمره در حوزه ادبیات می‌پردازند؛ مثلاً اینکه کجا جشنواره برگزار شد یا چه کسی چه گفت. اما تحلیل و اندیشه، جایش در روزنامه‌ها کم‌رنگ شده است.

### فکر می‌کنید ریشه این کمبود حرف تازه در کجاست؟

به نظر من یکی از دلایلش این است که دیگر کمتر کسی ادبیات را به‌شکل حرفه‌ای دنبال می‌کند. یعنی تولیدکننده امروز، ادبیات را یا مناسبتی می‌نویسد، یا در کنار هزار کار دیگرش، گاهی شعری هم می‌گوید یا داستانی می‌نویسد. طبیعی است که در چنین شرایطی، نمی‌توان انتظار اندیشه عمیق و پیوسته داشت و ادبیات‌انطور که باید و شاید، به عنوان یک حرفه مستقل و تمام‌وقت دنبال نمی‌شود. الان خیلی‌ها مدیر یا مسئول جایی هستند و در کنار آن گاهی شعری می‌گویند یا داستانی می‌نویسند، به‌قول مارکوزه، فقط یک ساعت از وقت‌شان را به ادبیات اختصاص می‌دهند و باقی‌وقت‌شان صرف کارهای دیگر است. این وضعیت باعث شده که تولیدات ادبی کمتر جدی و عمیق باشند.

### با این وضعیت، نشر جام جم در حوزه ادبیات چه رویکردی دارد؟

ما دو حوزه اصلی را در نشر جام جم دنبال می‌کنیم: اول حوزه رساله‌ها و مباحث مرتبط با رسانه و مدیریت رسانه، دوم حوزه روایت‌ها، چون در عصر حاضر روایت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به شرایط اجتماعی و فرهنگی دارند.

### می‌توانید نمونه‌هایی از کتاب‌هایی که در این حوزه منتشر کرده‌اید بفرمایید؟

بله، پارسال کتابی منتشر کردیم به نام «آقای خبرنگار» که درباره زندگی یک خبرنگار مشهور است و مصاحبه‌های متعددی با سران جهان دارد. همچنین مجموعه‌ای از روایت‌های زندگی ده خبرنگار برجسته صدا و سیما، از جمله آقای نجف‌زاده، حسین‌زاده، و... منتشر کرده‌ایم. این آثار تلاش دارند تجربه‌های حرفه‌ای و سرگذشت‌های تأثیرگذار را به مخاطب منتقل کنند. در حال حاضر با دکتر نبی‌روی زندگی یکی دیگر از این بزرگان کار می‌کنیم که امیدواریم اثر خوبی از آب دربیاید.

### به نظر می‌رسد این نوع کتاب‌ها بیشتر به ذائقه مخاطب امروز نزدیک باشند؟

بله، قطعاً. مخاطب امروز بیشتر به دنبال روایت‌های واقعی، ملموس و نزدیک به زندگی است تا متون صرفاً ادبی یا نظری. همین باعث شده آثار این حوزه فروش خوبی داشته باشند و مورد استقبال قرار گیرند. از جمله موفقیت‌های ما، کتاب «ویولون زن روی پل» اثر خسرو باباخانی بود که فروش خوبی داشته است.

محمدامین رضاپور

مدیر روابط عمومی نشر امیرکبیر:

### ادبیات کلاسیک و حرف‌های تازه‌اش برای امروز

**با توجه به اینکه نشر امیرکبیر سال‌هاست در حوزه ادبیات فعالیت دارد، استقبال مخاطب امروز را از آثار ادبی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مخاطب بیشتر به آثار کلاسیک گرایش دارد یا آثار نویسندگان امروز ایرانی؟**

خوشبختانه مخاطب ما هنوز به آثار کلاسیک علاقه‌مند است. امسال نیز در نمایشگاه کتاب، کتاب «یک عاشقانه آرام» از نادر ابراهیمی یکی از پرفروش‌ترین‌ها بود. ما عمدتاً روی آثار کلاسیک جهان تمرکز داریم و این آثار همچنان جایگاه خود را حفظ کرده‌اند.

### از نویسندگان معاصر ایرانی که در حوزه داستان و رمان فعالیت می‌کنند چه ارزیابی‌ای دارید؟ آیا آن‌ها می‌توانند به ادبیات امروز تازگی ببخشند؟

در این زمینه چندان خوشبین نیستیم. ادبیات داستانی معاصر به اندازه آثار کلاسیک تأثیرگذار نبوده و نمی‌تواند امید تازه‌ای به ادبیات بدهد.

### با توجه به اینکه آثار کلاسیک ممکن است برای مخاطب امروزی کمی سنگین یا خسته‌کننده باشند، چرا هنوز این آثار طرفدار دارند؟ این موضوع بیشتر نوشتارنژاد است یا ارتباط معنایی و محتوایی؟

اصلاً فکر نمی‌کنم آثار کلاسیک خسته‌کننده باشند. به‌ویژه در ادبیات جهان، این آثار هنوز جذابیت و اعتبار خود را حفظ کرده‌اند و مخاطب جدید هم به این آثار رجوع می‌کند چون محتوایشان غنی و پایدار است. برای مثال در جلسه نقد و تحلیل کتاب «پیرمرد و دریا» اثر انست همی‌نگوی کاملاً این موضوع مبرز شد که این دست از آثار شاهکار ادبی همچنان برای مخاطب امروز حرف‌های زیادی برای گفتن دارند و مورد توجه است.

### آیا در نشر امیرکبیر به آثار ادبی معاصر هم بها می‌دهید یا تمرکز بیشتر روی آثار کلاسیک است؟

ما جلسات مختلفی برگزار کرده‌ایم و تلاش می‌کنیم علاوه بر آثار کلاسیک، کتاب‌های حوزه تاریخ، فلسفه و دانشگاهی را نیز پوشش دهیم. اما در حوزه ادبیات داستانی، آثار کلاسیک در اولویت قرار دارند.

### از برخی آثار کلاسیکی که اخیراً منتشر کرده‌اید نام ببرید؟ مثلاً مجموعه آثاری از آنتون چخوف را چاپ کرده‌ایم و اخیراً کتاب «برادران کارامازوف» داستایوفسکی را بعد از بیش از پنجاه سال دوباره به چاپ رساندیم. این کتاب مدت‌ها در بازار نبود و خوشحالم که توانستیم آن را دوباره در دسترس مخاطب قرار دهیم.

آیا فیلم‌هایی که اقتباس‌هایی از این آثار هستند، مانند «پیر پسر»، باعث شده‌اند مخاطبان بیشتری به سراغ کتاب‌ها بروند؟

درمورد برادران کارامازوف این تأثیر خیلی قوی نبوده است، اما بصورت نامحسوس حس شد. اما قطعاً اقتباس‌های سینمایی می‌توانند نقش تبلیغاتی و جذب مخاطب داشته باشند.

### اگر نکته پایانی در حوزه ادبیات دارید، بفرمایید:

ما در نشر امیرکبیر تلاش می‌کنیم آثار ارزشمند را دوباره به چرخه نشر بازگردانیم و امیدواریم این روند همچنان ادامه داشته باشد.